

نهضت ترجمه متون علمی - فلسفی تمدن اسلامی به زبان لاتینی در اروپا

دکتر حسین کلباسی اشتری*

چکیده

نزد بسیاری از محققان تاریخ علم و حکمت، سهم و نقش متون علمی و فلسفی تمدن اسلامی در بیداری و پیشرفت علمی و صنعتی غرب پوشیده نیست. در فاصله قرون یازدهم تا سیزدهم میلادی، انبوهی از آثار و نوشته‌های علمی و فلسفی مسلمانان از زبان عربی به زبان لاتینی برگردانده شد و در این فرآیند حتی متون و منابع علمی و فلسفی یونانیان - بویژه ارسطو- نیز از طریق مسلمانان به دنیای غرب شناسانده شد؛ بگونه‌یی که به اعتراف شماری از مورخان و اندیشمندان غربی، اگر این رویداد تاریخی - یعنی نهضت ترجمه عربی به لاتینی - اتفاق نمی‌افتاد، چه بسا دنیای غرب هیچگاه با سرمایه عظیم دانش

۱۰۹

استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی؛ hkashtari@ihcs.ac.ir*



نهضت ترجمه متون علمی - فلسفی تمدن اسلامی....

سال اول، شماره دوم
پاییزه ۱۳۸۹

یونانی آشنا نمیشد. از سوی دیگر در جریان نهضت مذکور، علاوه بر ترجمه آثار یونانی از عربی به لاتینی، بسیاری از شروح و تفاسیر دانشمندان مسلمان نیز به دنیای غرب راه یافت و از این طریق، دشواریها و پیچیدگیهای علمی آن آثار نیز با کوششهای متفکران مسلمان مرتفع گشت. جزئیات و دقایق این رویداد بزرگ علمی- فرهنگی هنوز هم کاملاً روشن نیست و در این مقاله تنها به مهمترین فقرات آن اشاره خواهد شد.

کلید واژه: نهضت ترجمه لاتینی، دارالترجمه‌ها، آثار منحول، کتاب العلل، اسپانیای مسلمان

* * *

طی سده‌های فرمانروایی مسلمانان (از قرون دوم تا پنجم هجری) بسیاری از سرزمینهای غربی، از جمله اسپانیا (اندلس) و بخشهای از ایتالیا، با فرهنگ و تمدن و دانش مسلمانان آشنا شدند و توجه آنان به فرهنگ و تمدن اسلامی جلب شد. ازینرو، از سده پنجم که مسیحیان دوباره بر آن سرزمینها غلبه یافتند، برای پیشرفت و توسعه فرهنگ و تمدن خود، از منابع و آثار و مراکز علمی و فرهنگی مسلمانان، بویژه از مکتوبات آنان، بهره‌های فراوانی بردند. دانشمندان غربی، علاوه بر سفر به سرزمینهای مذکور برای کسب علوم و معارف اسلامی، مهمترین و اساسیترین راه بهره‌گیری از این علوم و فنون را ترجمه آثار علمی عربی دانستند. زیرا در کتابخانه‌های اسلامی گنجینه‌های ارزشمندی از آثار علمی یونانیان که به عربی برگردانده شده بود، وجود داشت و نیز دانشمندان اسلامی در رشته‌های گوناگون مانند: فلسفه، ریاضی، نجوم و پزشکی آثاری داشتند که بهره‌برداری از آنها سبب پیشرفت علم و تمدن غربی میشد.^(۱)

بطور کلی، آشنایی غربیها با فرهنگ و تمدن و دانش مسلمانان ابتدا از طریق اسپانیا و سپس از طریق ایتالیا صورت گرفت. دو شهر تولدو^۱ (طَلِیْطَلَه) و سیسیل^۱ (صِقِلِیَه) که

1. Toledo

از اواخر سده اول هجری/ اوایل سده هشتم میلادی، بترتیب تا سالهای ۴۷۸ ه. ق / ۱۰۸۵ م. و ۴۵۳ ه. ق / ۱۰۶۱ م. در تصرف مسلمانان بود، بعد از بازپس‌گیری مسیحیان، به مراکز اصلی ترجمه متون عربی به لاتینی و دیگر زبانهای اروپایی تبدیل شد و مترجمان بسیاری از نقاط گوناگون به این دو شهر آمدند.^(۲)

در پی بوجود آمدن نهضت ترجمه و ظهور ترجمه‌های گوناگون، چهره فرهنگی و علمی اروپا کاملاً تغییر کرد. بسیاری از آثار یونانی که دیگر اصل آنها باقی نمانده بود، ولی ترجمه عربی آنها بر جای بود، با ترجمه به لاتینی، دوباره در اختیار دانشمندان و محققان غربی قرار گرفت.^(۳) با آنکه پیش از این، برای ترجمه مستقیم برخی متون یونانی به لاتینی، بویژه بخشی از آثار افلاطون و ارسطو، تلاشهایی صورت گرفته بود و در این میان کسانی همچون بوئتیوس (۴۸۰-۵۲۴ م.) و ژان اسکات اریژن^۲ (۱۹۵ ه. ق / ۸۱۰ م. - ۲۶۳ ه. ق / ۸۷۷ م.) سهم فراوانی داشتند، ولی عمده آشنایی غربیان با اندیشه‌ها و آثار یونانیان، بخصوص سنت ارسطویی، از طریق ترجمه عربی آن آثار صورت گرفت.^(۴)

سیر نهضت ترجمه در غرب بویژه از عربی به لاتینی را میتوان چنین دسته‌بندی کرد:

۱. پیش از دوره بزرگ ترجمه: این دوره شامل فعالیتهای ترجمه تا اوایل قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی میشود. بگواهی برخی شواهد، در قرن سوم هجری/ نهم میلادی نیز در پی کوششهای پراکنده برای پیشرفت علم، ترجمه عربی به لاتینی، هرچند بطور اندک ولی صورت میگرفته است. وجود کتابخانه نسبتاً غنی در صومعه کاتالونیایی^۳ در ریپول^۴ که شامل ترجمه‌هایی از آثار علمی عربی بوده است و نیز گزارشهایی درباره وجود نسخه‌ی خطی از قرن چهارم هجری/ دهم میلادی در ریپول، حاوی ترجمه دو رساله در اسطرلاب از عربی به لاتینی، سوابق ترجمه را قبل از دوره بزرگ ترجمه نشان میدهد.^(۵) از معروفترین دانشمندان و نخستین کسانی که به اهمیت آثار علمی و فرهنگی بجا مانده از مسلمانان در سرزمینهای اروپایی توجه کرد، ژربر اوورنی^۵ (۳۲۷ ه. ق / ۹۳۸ م. - ۳۹۳ ه. ق / ۱۰۰۳ م.) بود که در سال ۳۸۹ ه. ق / ۹۹۹ م. با عنوان

1. Sicily
2. Johannes Scouts Erigena
3. Catalanian
4. Ripoll
5. Gerbert of Aurengna/ Aurillac



«سیلوستر^۱ دوم» به مقام پاپی رسید.^(۶) وی را اولین واسطه^۲ آشنایی مدارس غربی با علوم و فنون اسلامی دانسته‌اند. ژربر اوورنی عربی را در کوردوبا^۳ (قُرتُبه) آموخت و بدستور او سه مدرسه^۴ آموزش زبان عربی در رم و رنس (ریمس)^۳ و شارتر^۴ تأسیس شد. همچنین وی برخی کتابهای ریاضی و نجوم را از عربی به لاتینی ترجمه نمود.^(۷)

مترجم دیگر قرن پنجم هجری/ یازدهم میلادی، قسطنطین آفریقایی متولد کارتاژ^۵ (قُرتاجنه) است. او پزشکی را در جهان اسلام آموخت و برخی آثار پزشکی مسلمانان و نیز متون عربی ترجمه شده از رساله‌های پزشکی یونانیان را به لاتینی برگرداند. بهمین سبب، وی را نخستین کسی میدانند که طب اسلامی را از طریق ترجمه‌های خود به اروپا وارد نمود. برخی آثاری که او از عربی ترجمه کرده است، عبارتند از: قسمتی از کتاب جامع پزشکی *کامل الصناعة الطیبة* تألیف علی بن عباس محبوسی اهوازی (ف. ۳۸۴ ه. ق.)، *فصول ابقرراط مع شروح جالینوس، العلاج العام* تألیف اسحاق اسرائیلی، آثاری از جالینوس مانند: *الصناعة الصغیرة فی آراء ابقرراط و افلاطون، شروح علی فصول جالینوس، فن الشفاء*.^(۸)

۲. دوره بزرگ ترجمه: این دوره شامل دو مرحله است:

الف) مرحله اول قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی است. در این دوره، نهضت ترجمه در غرب با تأسیس مراکز متفاوت و گردآمدن مترجمان یهودی و مسیحی و مسلمان و حتی برخی ساکنان بومی قوت و جدیت بیشتری یافت. مهمترین و فعالترین مرکز ترجمه را ریموند سوتاً، اسقف کبیر شهر تولدو، در سال ۵۲۴ ه. ق./ ۱۱۳۰ م. در همین شهر تأسیس کرد و محققان را برای ترجمه متون علمی و فلسفی دعوت و تشویق نمود.^(۹) همچنین در زمان فرمانروایی مسلمانان بر سرزمینهای غربی، برخی از فرمانروایان بسبب علاقه وافر به گردآوری کتاب، کتابخانه‌های بزرگی بنا کردند، از جمله کتابخانه *المستنصر* بود که در آن بیش از چهارصد هزار جلد کتاب عربی گردآوری شده بود.^(۱۰) پس از غلبه مجدد مسیحیان بر این سرزمینها، قسمت بزرگی از کتابهای این کتابخانه به تولدو انتقال

1. Silvester
2. Cordoba/ Cordova
3. Reims/ Rheims
4. Chartres
5. Carthang
6. Raymond de Sauvelat



یافت و این شهر بسبب همین ویژگی و امتیاز، در مقایسه با دیگر شهرهای اسپانیا، به محل مناسبی برای تأسیس مرکز بزرگ ترجمه تبدیل گردید. از آنجا که در این دوره بیشترین ترجمه‌ها از عربی به لاتینی بود، قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی به «دوره ترجمه عربی به لاتینی» شهرت یافت.^(۱۱) همچنین در همین قرن برخی مترجمان یهودی آثار علمی عربی را به عبری برگرداندند.^(۱۲) برخی از مترجمان مشهور این دوره و ترجمه‌های آنان عبارتند از:

۱. ادلارد (۴۶۳ ه. ق. / ۱۰۷۰ م. - ۵۲۹ ه. ق. / ۱۱۳۵ م.). وی اهل بث^۱، از شهرهای انگلستان و از راهبان بندیکتی بود که در تور، اسپانیا، سیسیل، یونان، مصر، لبنان و انطاکیه، علوم طبیعی و ریاضیات را فرا گرفت. او اصول اقلیدس و زیج خوارزمی و آثار بسیاری در فلکیات و ریاضیات را ترجمه کرد. همچنین با همکاری یوحنا اشبیلی^۲ چهار کتاب از ابومعشر بلخی (ف. ۲۷۲ ه. ق.) را ترجمه نمود. بگزارش برخی منابع، وی به عربی چندان مسلط نبود و احتمالاً با کمک استادش، پطرس آلفونسی، ترجمه میکرده است.^(۱۳)

۲. یوحنا (یحیی) اسپانیایی^۳ یا ابن داوود^۴. او از مترجمان نیمه قرن ششم هجری/ دوازدهم میلادی در دارالترجمه تولدو بود. برخی وی را همان یوحنا اشبیلی دانسته‌اند، اما برخی یوحنا اشبیلی را عضو دیگری از مترجمان تولدو معرفی کرده‌اند و وجه تمایز این دو را در این نکته دانسته‌اند که یوحنا اسپانیایی به ترجمه آثار فلسفی اشتغال داشته، ولی یوحنا اشبیلی مترجم متون علمی، بخصوص متون مربوط به علم و احکام نجوم بوده است.^(۱۴) نجیب عقیقی این دو را از یهودیان مسیحی شده معرفی کرده است.^(۱۵) بگفته وی، یوحنا اسپانیایی استاد دومینیکوس گوندیسالینوس (دومینیکو گوندیسالوی^۵ ف. ۵۷۷ ه. ق. / ۱۱۸۱ م.) جانشین ریموند اسقف تولدو بوده است.^(۱۶) او با همکاری گوندیسالینوس آثار عربی را بدینصورت ترجمه میکرد که ابتدا وی آنها را به اسپانیایی برمیگرداند و سپس گوندیسالینوس ترجمه وی را به لاتینی ترجمه مینمود. ترجمه کتاب *النفس ابن سینا و عیون/المسائل* فارابی بهمین صورت انجام گرفته است.^(۱۷) همچنین یوحنا آثاری را بتنهایی از عربی به لاتینی ترجمه کرده

1. Adelard of Bath
2. Joha of Seville
3. Joannes (Joha) Spanish
4. Avendauth (Juan Abendaud)
5. Dominicus Gundissalinus



است، از جمله کتاب *السیاسة* ارسطو؛ کتاب *منحول* ارسطویی *الایضاح فی الخیر المحض*، مشهور به *العلل* که در اصل از بُرقلس (پروکلوس) بوده است؛ کتاب *الجبر* خوارزمی؛ برخی آثار ابن سینا از قبیل *فی النبات*، *کلیات*، *فن اول طبیعیات [شفا]* و *منطق*؛ کتاب *السماء و العالم* حنین بن اسحاق.^(۱۸)

۳. یوحنا اشبیلی. درباره وی اطلاع چندانی در دست نیست. او چهار کتاب ابومعشر بلخی را با همکاری ادلارد ترجمه کرد و *المدخل الی علم هیئة الافلاک و الموجز فی الفلک* (هر دو از فرغانی) و *احصاء العلوم فارابی* (ف. ۳۳۹ ه. ق.) را با کمک گِراردوس (ژرار) کرمونایی^۱ ترجمه نمود. همچنین وی رساله *فی الاسطرلاب* از مَسَلَمَة بن احمد مجریطی (ف. ۳۹۸ ه. ق.) و کتاب *فی آلات الساعات* از ثابت بن قُرّه (ف. ۲۸۸ ه. ق.) را بتنهایی ترجمه کرد.^(۱۹)

۴. دومینیکوس گوندیساینوس، پیشوای دینی سگوویا^۲ (شقوبیه، واقع در مرکز اسپانیا).^(۲۰) وی از مشهورترین مترجمان آثار فارابی و ابن سینا بشمار می آید و آثاری را با همکاری یوحنا اسپانیایی ترجمه کرد. برخی از ترجمه‌های او عبارتند از: *احصاء العلوم*، بخشهایی از *منطق و الهیات شفا* ابن سینا، *رسالة العقل و المعقول* ابویوسف یعقوب کندی، *مقاصد الفلاسفه و تهافت الفلاسفه* محمد غزالی (ف. ۵۰۵ ه. ق.)، *ینبوع الحیة* ابن جبرول (ف. ۱۰۵۸).^(۲۱)

۵. گِراردوس (ژرار) کرمونایی (۵۰۸ ه. ق. / ۱۱۱۴ م. - ۵۸۲ ه. ق. / ۱۱۸۷ م.). او از راهبان بندیکتی ایتالیایی و از مهمترین و پرکارترین مترجمان آثار فلسفی از عربی به لاتینی بود. وی برای دستیابی به منابع عربی به آموختن زبان عربی پرداخت و به تولدو رفت و تمامی هم خود را به مصنفات عربی معطوف نمود. او در آنجا به کتاب *المجسطی* و آثاری در سایر علوم دست یافت و در مدت قریب به چهل سال حدود هشتاد کتاب ترجمه کرد. گفته‌اند که وی در ابتدا با کمک برخی از مستعربین ترجمه میکرد، اما پس از کسب مهارت، بتنهایی به ترجمه از عربی به لاتینی در تمامی شاخه‌های دانش اعم از فلسفه، منطق، طب، ریاضیات، نجوم و نورشناسی پرداخت.^(۲۲) ترجمه‌های او از حیث وفاداری به متن عربی قابل توجه‌اند. زیرا وی تا حد امکان، ساختار دستور زبان و واژگان عربی را حفظ مینمود و حتی پس از آنکه نخستین

1. Geradus Cremonensis
2. Segovia

ترجمه‌های لاتینی را از برخی متون یونانی بدست می‌آورد، به مقابله آنها می‌پرداخت و اغلب اصطلاحات فنی را، با تأمل در کاربرد عربیشان، هماهنگ و یکدست مینمود؛ بطوریکه اگر متن اصلی به عربی بود، ترجمه لاتینی اولیه را بازبینی میکرد و عباراتی را که تلخیص یا حذف شده بود، بجای خود می‌گذاشت و بدین ترتیب، ترجمه‌ها را تصحیح مینمود. وی علاوه بر ترجمه متون ارسطویی از عربی به لاتینی، تفسیرهایی را که به یونانی بودند، مانند شرح ثامسطیوس (تمیستیوس)^۱ بر تحلیلات ثانی ارسطو و یا به عربی بودند، مانند تفسیر فارابی بر طبیعیات، ترجمه میکرد تا در کنار متن ترجمه شده خود قرار دهد و از این طریق به فهم مطلب کمک کند. گرارادوس کرمونایی در معرفی ارسطوی لاتینی نقش اساسی داشت و میتوان گفت که مهمترین ترجمه‌های او ترجمه آثار ارسطوست^(۲۳) از آن جمله میتوان به تحلیلات ثانی همراه با شرح ثامسطیوس، السماع الطبیعی و شرح فارابی بر آن، درباره کون و فساد، کتاب اول تا سوم کانی‌شناسی، الآثار العلویه و مابعدالطبیعه اشاره کرد. برخی از دیگر ترجمه‌های او عبارتند از: قانون ابن سینا در طب؛ المجسطی بطلمیوس؛ برخی رسائل کندی مانند: رساله العقل و المعقول، رساله فی ماهیه النوم و الرؤیا، رساله الماهیات الخمس؛ المناظر تألیف ابن هیثم (ف. ۴۳۰ ه. ق.)؛ چهار رساله کوتاه در علوم طبیعی از اسکندر آفرودیسی^۲؛ رساله فی حساب الجبر و المقابله محمد خوارزمی (ف. ۲۳۲ ه. ق.)؛ الموجز فی الفلک فرغانی و کتاب منحول ارسطویی العلیل.^(۲۴)

۶. ابراهیم بن عزرا معروف به ابن عزرا (۴۸۴ ه. ق. / ۱۰۹۰ م. - ۵۶۲ ه. ق. / ۱۱۶۷ م.). وی از نخستین مترجمان آثار عربی به عبری بود و سبب گسترش اندیشه و دانش مسلمانان و یهودیان مشرق زمین در میان یهودیان اروپایی شد. ترجمه شرح ابوریحان بیرونی بر زیج خوارزمی از عربی به عبری یکی از مهمترین کارهای او بود. همچنین وی دو رساله در احکام نجوم را ترجمه کرد. به نوشته برخی منابع، ترجمه‌ها و نوشته‌های ابن عزرا در علم نجوم موجب آشنایی دانشمندان اروپایی با دانسته‌ها و دستاوردهای منجمان و ریاضیدانان مسلمان و عرب زبان گردید.^(۲۵)

برخی دیگر از مترجمان این دوره عبارتند از: رابرت چستری^۳ (روبرتوس کتنسیس/ رابرت کتونی) که به تشویق و اهتمام پطرس مکرّم^۴ نخستین بارقرآن را

1. Themistius
2. Alexander of Aphrodisias
3. Robert of Chester (Ketenensis)
4. Peter the Venerable



به لاتینی ترجمه کرد؛ افلاطون تیولی (پلاتوی تیولیایی / پلاتوی تیوی)؛^۱ آلفرد ساراشل؛^۲ ردولف بروژی / بروجی؛^۳ هوگو سانتالا^۴ و پدرو آلفونسو^۵ مترجم قصه‌های شرقی به لاتینی.^(۲۶)

از سده پنجم تا هفتم هجری / یازدهم تا سیزدهم میلادی، جریان ترجمه بلحاظ کمی و کیفی وسعت بیشتری پیدا کرد، بطوریکه بسیاری از کتابها و رساله‌های علمی و فلسفی یونانیان و مسلمانان از عربی به لاتینی ترجمه شد. در ابتدا، کار ترجمه متون یونانی و عربی بسبب فقدان مهارت مترجمان در زبان عربی، دشواری موضوعات و وجود اصطلاحات دشوار و پیچیده، کاری سخت بود و به کندی پیش میرفت. به این ترتیب، ترجمه‌ها اغلب تحت اللفظی بودند و هرگاه معنای کلمه‌یی ناشناخته بود، عین همان کلمه به حروف لاتینی نوشته میشد. از اینرو، در قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی که مترجمان مهارت بیشتری در زبان عربی بدست آوردند و امکان استفاده مستقیم از آثار به زبان یونانی نیز فراهم آمد، در بعضی از ترجمه‌ها تجدیدنظر شد.^(۲۷)

ب) مرحله دوم از قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی بیعد است. در این دوره، فعالیت‌های ترجمه زیر نظر آلفونس (آلفونسوی) دهم (۶۱۸ ه. ق / ۱۲۲۱ م. - ۶۸۲ ه. ق / ۱۲۸۴ م.)، از حاکمان اسپانیا، ملقب به حکیم، ادامه یافت. وی قصد داشت که در اهتمام به کار ترجمه از مأمون عباسی پیروی کند، از اینرو مترجمان بسیاری را از مسلمان و یهودی و مسیحی به دربار خود خواند. برخی گفته‌اند که او پنجاه مترجم برای ترجمه کتاب بطلمیوس دعوت نمود و خود ریاست آنها را برعهده گرفت. وجه تمایز این دوره با دوره قبل اینست که دوره اول به «ترجمه از عربی به لاتینی» شهرت داشت، اما این دوره به «ترجمه از عربی به اسپانیایی و رومی» شهرت دارد. مترجمان دربار آلفونس دهم زبان لاتینی را بخوبی نمیدانستند، از اینرو ترجمه به رومی و اسپانیایی مورد توجه قرار گرفت و گاه متنهای ترجمه شده به اسپانیایی، به لاتینی و فرانسوی نیز ترجمه شد. همچنین در دوره اول، ترجمه آثار فلسفی بیشتر مورد توجه بود، اما در دوره دوم، به شاخه‌های دیگر دانش، از قبیل علم

1. Plato di Tivoli/ Plato Tiburtinus
2. Alfred de Sarashel
3. Rodolphum Brugensem
4. Hugo Santalla
5. Pedro Alfonso



فلک، نجوم، حساب، آثار ادبی و داستانی مانند کلیله و دمنه و هزار و یک شب توجه شد. وجه تمایز دیگر این دو دوره آنست که در دوره اول، سلطه دینی و نظارت روحانیان مسیحی بر جریان نهضت ترجمه حاکم بود، اما در دوره دوم، سلطه سیاسی پادشاهان جای آن را گرفت.^(۲۸)

در مرحله دوم از دوره بزرگ ترجمه، تولدو همچنان مرکز اصلی ترجمه و مورد توجه دانشمندان و مترجمان بود. در سیسیل نیز ترجمه متون علمی به عربی، بویژه متون فلسفی و نجومی، بدستور و حمایت فردریک دوم (۵۹۰ ه. ق. / ۱۱۹۴ م. ۶۴۷ ه. ق. / ۱۲۵۰ م.)، پادشاه ایتالیا، انجام میگرفت.^(۲۹) از اواخر قرن هفتم هجری / سیزدهم میلادی بعد، جریان ترجمه از اسپانیا به دیگر مناطق اروپا همچون جنوب فرانسه منتقل شد و بدلیل مهاجرت یهودیان آل طیبون / طیبون از گرانادا (غرناطه) به جنوب فرانسه، ترجمه از عربی به عبری نیز رواج یافت.^(۳۰) به گزارش برخی منابع، محققان یهودی از اوایل قرن هفتم هجری / نیمه اول قرن سیزدهم میلادی به ترجمه و شرح متون عربی پرداختند؛ چنانکه ۳۸ اثر از تفسیرهای ابن رشد (ف. ۵۹۵ ه. ق.) به عبری ترجمه شد. نخستین آنها تفسیر متوسط ابن رشد بر کتاب *العباره* بود که یعقوب اهل آنا تولی آن را در دربار فردریک دوم در سیسیل ترجمه نمود. از آن پس، در سده هفتم و هشتم هجری / سیزدهم و چهاردهم میلادی، چندین مترجم یهودی در جنوب فرانسه و کاتالونیا و ایتالیا تفسیرهای ابن رشد و آثار دیگر را به عبری ترجمه کردند. از اواخر سده هفتم هجری / سیزدهم میلادی به بعد، بیشترین ترجمه‌های متون عربی به لاتینی از روی ترجمه‌های عبری آنها صورت گرفت.

برخی از مترجمان مشهور این دوره عبارتند از:

۱. مایکل (میخائیل) اسکات (۵۷۶ یا ۵۸۶ ه. ق. / ۱۱۸۰ یا ۱۱۹۰ م. - ۶۳۲ ه. ق. / ۱۲۳۵ م.). وی از برجسته‌ترین مترجمان و دانشمندان دوره خود بود و تحصیلکرده آکسفورد و پاریس تحصیل بود. اسکات حلقه اتصال ترجمه در دربار فردریک دوم و مرکز بزرگ ترجمه در تولدو بشمار میرفت. او با زبانهای یونانی، عربی، عبری و کلدانی بخوبی آشنا بود. وی سالها در تولدو به ترجمه عربی به لاتینی و گاه عبری به لاتینی مشغول بود و در سال ۶۲۴ ه. ق. / ۱۲۲۷ م. به سیسیل، دربار فردریک دوم، رفت و منجم وی شد. ترجمه‌های او عبارتند از: کتاب *الهیئه بطروجی* (ف. ۵۸۱ ه. ق.)؛ کتاب *الحيوان* ابن سینا (که آن را به فردریک دوم

هدیه کرد)؛ برخی آثار ارسطو مانند: *الحيوان، النفس، في السماء و العالم، مابعدالطبیعه*. در برخی منابع، ترجمه تفسیرهای مفصل ابن رشد بر این آثار ارسطو را نیز به وی نسبت داده‌اند و بعضی محققان ترجمه‌های او را سرآغاز مطالعه عمیق متون ارسطویی دانسته‌اند. همچنین وی با همکاری تئودور انطاکی آثار عربی در جانورشناسی را برای فردریک دوم ترجمه کرد.^(۳۱)

۲. راجر بیکن^۱ (۶۱۱ ه. ق / ۱۲۱۴ م - ۶۹۱ ه. ق / ۱۲۹۲ م). وی از فیلسوفان قرون وسطی و راهبی فرانسوی و معاصر آلفونس دهم بود. بیکن شیفته فرهنگ عربی بود و در مقایسه با دوره رومی (حکومت رومیان) و فرهنگ رومی در غرب، دوره عربی لاتینی و فرهنگ عربی حاکم بر این دوره را ستایش میکرد. وی *مرآة الکیمیا و سرالاسرار* را ترجمه نمود.^(۳۲)

۳. هرمان آلمانی^۲ (هرمان دالماسیایی). وی از مترجمان تولدو بود و در ترجمه، از برخی فلاسفه مسلمان، همچون ابن باجه (ف. ۵۳۳ ه. ق) کمک میگرفت. ترجمه‌های او عبارتند از: *خطابه، شعر، اخلاق نیکوماخوسی و السیاسة* (همگی از ارسطو). از مقدمه هرمان بر ترجمه کتاب شعر ارسطو چنین برمی آید که او *ارغنون* (کتاب منطق ارسطو) را کاملاً ترجمه کرده است. همچنین شرح فارابی بر کتاب *خطابه ارسطو*، تفسیرهای متوسط ابن رشد بر *خطابه و شعر و اخلاق نیکوماخوسی ارسطو* و گزیده‌هایی از *خطابه ابن سینا و خطابه فارابی* از دیگر ترجمه‌های اوست.^(۳۳)

۴. ابراهیم طلیطلی، معروف به حکیم. وی را ابراهیم یهودی اسپانیایی نیز نامیده‌اند. برخی از ترجمه‌های او عبارتند از: *هیئة العالم* ابن هیثم که آن را با تصرف بسیار با عنوان *السماء و العالم* از عربی به اسپانیایی ترجمه کرد و یعقوب بن ماهر آن را به عبری و سپس ابراهیم بلمیسی آن را از عبری به لاتینی برگرداند؛ *الاسراء و المعراج* یا *معراج محمد (ص)* که آن را بدستور آلفونس دهم از عربی به اسپانیایی ترجمه نمود و بواسطه آن مورد تشویق و تمجید وی قرار گرفت؛ *صحیفة الزرقالی* که ترجمه کتاب *الاسطرلاب زرقالی* است.^(۳۴)

۱۱۸

1. Roger Bacon
2. Hermann the German



ساز اوله شماره دوم
پاییزه ۱۳۸۹

۵. موسی بن طبون. او از مترجمان یهودی بود که برخی متون عربی را به عبری ترجمه کرد. از جمله ترجمه‌های او میتوان به *اصول اقلیدس*، *قانون الصغیر* ابن سینا، *تریاق رازی*، برخی از تألیفات ابن میمون (ف. ۶۰۱ ه.ق) و برخی از شروح مختصر ابن رشد بر آثار ارسطو اشاره کرد.^(۳۵)

از دیگر مترجمان این دوره که در اسپانیا زیر نظر آلفونس دهم کار میکردند، یوحنا طلیطلی، فرناندو طلیطلی، رونالدو اربی، ابراهیم بُرغُشی، یهوذا بن موسی معروف به حکیم قُرطُبی، ساموئل طلیطلی بودند.^(۳۶) تئودور انطاکی فیلسوف دربار فردریک دوم که تلخیص ابن رشد را ترجمه کرد و ویلیام اهل لونا که احتمالاً از مترجمان دربار فردریک دوم بود نیز از مترجمان این دوره در ایتالیا بودند. ویلیام تفسیرهای متوسط ابن رشد بر *ایساغوجی* فرفوریوس و مقولات و عبارات ارسطو را ترجمه نمود.^(۳۷)

برغم ارتباط بیواسطه با فرهنگ و تمدن یونانی و آغاز مجدد ترجمه از یونانی به لاتینی از نیمه دوم سده هفتم هجری / سیزدهم میلادی، کار ترجمه از عربی، هر چند نه بمیزان گذشته، اما همچنان ادامه یافت.^(۳۸) از جمله مترجمان سده هشتم هجری / چهاردهم میلادی، آرنالدو ویلانوایی^۱ است که *اسرار الکیمیا* زکریا رازی، پنج کتاب از کندی، رسائلی از قُسطا بن لوقا (ف. ۳۰۰ ه.ق) و ابن سینا و کتاب *الصدیله* از ابوالصلت دانی و سه کتاب از جالینوس را از عربی ترجمه کرد.^(۳۹) در سده نهم هجری / پانزدهم میلادی، توجه مجدد به متون کهن، محققان را به جستجوی دقیقترین تفسیرهای این متون وادار ساخت و ازینرو محققان یهودی نیز برخی از آثار ابن سینا و بویژه ابن رشد را مجدد ترجمه کردند. از اوایل قرن دهم هجری / شانزدهم میلادی، متون فلسفی عربی بار دیگر بطور مستقیم به لاتینی ترجمه شد و بسبب توجه به این امر، آموزش عربی در غرب پایه‌گذاری گردید و با تأسیس کرسیهای زبان عربی در دانشگاههای اروپایی و در نتیجه سهولت استفاده از متون عربی، تفکر اسلامی دوباره مورد توجه قرار گرفت. این جریان تا به امروز هم ادامه داشته است و با ظهور صنعت چاپ، انتشار ترجمه‌های لاتینی از منابع عربی بخصوص در سده نهم و دهم هجری / پانزدهم و شانزدهم میلادی بیشتر شده است.

1. A. Villeneuve

بی نوشتہا:

۱. مجتہدی، کریم، فلسفہ در قرون وسطی، ص ۱۹۲؛ همو، مدارس و دانشگاههای اسلامی و غربی در قرون وسطی، ص ۷۴، ۱۶۰ و ۱۶۱.
۲. حایک، سیمون، تعریت ... و تعریت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ۷ و ۸؛ سوازه، ژان، مدخل تاریخ شرق اسلامی، ترجمه نوش آفرین انصاری، ص ۴۲۴.
۳. تعریت ... و تعریت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ۹، ۱۵.
4. Fredrick Charles Copleston, *A History of Philosophy*, vol. 2: Augustine to scouts, pp. 205-211.
5. William Montgomery Watt, *The Influence of Islam on Medieval Europe*, p. 58 & 59.
۶. فلسفہ در قرون وسطی، ۱۸۸؛ مدارس و دانشگاههای اسلامی و غربی در قرون وسطی، ص ۱۳۰.
۷. عقیقی، نجیب، المتشرقون، ج ۱، ص ۱۱۰؛ اعسم، عبدالامیر، «الستشراق الفلسفی و انتقال الفلسفیه العربیه الی اللاتن، فی العصر الوسیط»، الاستشراق، ش ۳، ص ۱۷.
8. *Ibid.*, pp. 59-61.
۹. تعریت ... و تعریت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ۵۲؛ فلسفہ در قرون وسطی، ص ۱۹۳؛ المتشرقون، ج ۱، ص ۹۰؛ همچنین ر.ک:
The Influence of Islam on Medieval Europe, p. 60;
A History of Philosophy, vol. 2, p. 205, Jill N. Claster, *The Medieval Experience*, p. 264.
۱۰. تعریت ... و تعریت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ۵۰.
۱۱. همان، ص ۵۰ و ۵۱؛ دائرة المعارف فلسفہ راتلج، ذیل عنوان "Islamic Philosophy".
12. *The Influence of Islam on Medieval Europe*, p. 63.
۱۳. المتشرقون، ج ۱، ص ۱۱۱ و ۱۱۲؛ دائرة المعارف فلسفہ راتلج، ذیل عنوان "Islamic Philosophy"; تعریت ... و تعریت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ۲۸۷-۲۹۰؛ کرم، یوسف، تاریخ الفلسفہ الاوربیه فی العصر الوسیط، ص ۹۲.
۱۴. تاریخ الفلسفہ الاوربیه فی العصر الوسیط، ص ۹۴؛ المتشرقون، ج ۱، ص ۱۱۲ و ۱۱۳؛ تعریت ... و تعریت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ۷۱؛ فلسفہ در قرون وسطی، ص ۱۹۴.
۱۵. المتشرقون، ج ۱، ص ۱۱۲.
۱۶. همان، ص ۱۱۴.
۱۷. همانجا؛ تعریت ... و تعریت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ۶۴، ۷۹، ۵۸۵؛ دائرة المعارف فلسفہ راتلج، ذیل عنوان "Islamic Philosophy".
۱۸. المتشرقون، ج ۱، ص ۱۱۲؛ تعریت ... و تعریت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ۶۴ و ۶۵، ۶۷، ۷۰؛
A History of Philosophy, vol. 2, p. 205.



١٩. المتشركون، ج ١، ص ١١٢ و ١١٣.
٢٠. بريه، اميل، تاريخ فلسفه: تاريخ فلسفه و دوره تجدد، ترجمه و تلخيص يحيى مهدوى، ص ١٨١.
٢١. المتشركون، ج ١، ص ١١٤.
٢٢. دائرة المعارف فلسفه راتلج؛ ذيل عنوان "Islamic Philosophy"، Gerad of Cremona: تعربت ... و تعربت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ٨، ٩١ و ٩٢؛ المتشركون، ج ١، ص ١١٥.
23. *A History of Philosophy*, vol. 2, p. 205 & 206.
٢٤. دائرة المعارف فلسفه راتلج، ذيل عنوان "Islamic Philosophy"، Gerad of Cremona: تعربت ... و تعربت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ٥٧٧-٥٨٨.
- Ibid.*, vol. 2, p. 205
٢٥. المتشركون، ج ١، ص ٩٥؛ دائرة المعارف بزرگ اسلامى، زير نظر كاظم موسوى بجنوردى، ذيل «ابن عزرا»؛ تعربت ... و تعربت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ٥٦٢ و ٥٦٣.
٢٦. تعربت ... و تعربت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ٢٠٨، ٢١١، ٢٢٠، ٢٣٤؛ المتشركون، ج ١، ص ١١١، ١١٣ و ١١٤، ١٢١.
٢٧. كرومبى، آليستر كامرون، از اگوستين تا گاليله، ترجمه احمد آرام، ج ١، ص ٤٣ و ٤٤.
٢٨. تعربت ... و تعربت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ٨ و ٩، ١١٩ و ١٢٠، ١٢٤-١٢٦.
٢٩. احمد، عزيز، تاريخ سيسيل در دوره اسلامى، ترجمه نقى لطفى و محمد جعفر ياحقى، ص ١٤٠ و ١٤١.
٣٠. تعربت ... و تعربت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ١٤.
31. *Ibid.*, vol. 2, p. 206.
٣٢. همان، ص ١١٩؛ المتشركون، ج ١، ص ١٢١.
٣٣. تعربت ... و تعربت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ١٥٩-١٥٧؛ *Ibid.*
٣٤. همان، ص ١٢٨ و ١٢٩.
٣٥. همان، ص ٥٦٠؛ المتشركون، ج ١، ص ٩٥.
٣٦. براى مطالعه بيشتى ر.ك: تعربت ... و تعربت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ١٢٥-١٣٣.
٣٧. دائرة المعارف فلسفه راتلج، ذيل عنوان "Islamic Philosophy".
٣٨. تعربت ... و تعربت او نقل الحضارة العربية الى الغرب، ص ١٣.
٣٩. المتشركون، ج ١، ص ١٢١.

منابع فارسی:

۱. اعسم، عبدالامير، «الاستشراق الفلسفي و انتقال الفلسفيه العربيه الى اللاتين في العصر الوسيط»، *الاستشراق*، ش ۳، ۱۹۸۹ م.
۲. بريه، اميل، *تاريخ فلسفه: قرون وسطی و دوره تجدد*، ترجمه و تلخیص يحيى مهدوی، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۳. حايك، سيمون، *تعربت ... و تغربت، او نقل الحضارة العربيه الى الغرب*، لبنان، ۱۹۸۷ م.
۴. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر كاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
۵. سواژه، ژان، *مدخل تاريخ شرق اسلامی*، ترجمه نوش آفرین انصاری (محقق)، تهران، ۱۳۶۶ ش.
۶. احمد، عزيز، *تاريخ سيسيل در دوره اسلامی*، ترجمه نقی لطفی و محمد جعفر یاحقی، تهران، ۱۳۶۲ ش.
۷. عقیقی، نجیب، *المستشرقون*، قاهره، ۱۹۸۰ و ۱۹۸۱ م.
۸. کرومبی، آلیستر کامرون، *از اوگوستن تا گالیله*، ترجمه احمد آرام، ج ۱، تهران، ۱۳۷۱ ش.
۹. لیدنبرگ، دیوید، *سراغزهای علم در غرب*، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۰. مجتهدی، کریم، *فلسفه در قرون وسطی*، تهران، ۱۳۷۹ ش.
۱۱. _____، *مدارس و دانشگاه‌های اسلامی و غربی در قرون وسطی*، زیر نظر کریم مجتهدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹ ش.
۱۲. کرم، یوسف، *تاريخ الفلسفه الاوربيه في العصر الوسيط*، قاهره، ۱۹۴۶ م.

منابع انگلیسی:

1. Jill N. Claster, *The Medieval Experience: 300-1400*, New York, 1982.
2. Frederick Charles Copleston, *A History of Philosophy*, vol. 2: Augustine to Scotus, London, 1976.
3. *Routledge Encyclopedia of Philosophy*, ed. Edward Craig, London: Routledge, 1998, s.vv. "Gerard of Cremona" (by Mark D. Jordan), "Islamic Philosophy: Transmission into Western Europe" (by Charles Burnett), Translators (by Jozef Brams).
4. William Montgomery Watt, *The Influence of Islam on Medieval Europe*, Edinburgh, 1972.